



گزیده خوانی «فرهیختگان» از نشریات دانشجویی

# سیاسی‌ها وارد میدان نقد می‌شوند

بازار انتشار نشریات دانشجویی روزبه‌روز داغ‌تر شده و باتوجه به ورود دانشجویان جدیدالورود به دانشگاه در آبان‌ماه، به روزهای اوج خود نزدیک می‌شود. نگاهی به نشریات منتشر شده در طول هفته گذشته، نشان دهنده تمرکز نویسندگان و دست‌اندرکاران نشریات به نقد عملکرد دولت است و درکنار آن، سربازی و کرونا ازجمله موضوعات پرتکرار در این نشریات بود. گلچینی از مطالب نشریات منتشر شده توسط دانشجویان دانشگاه‌های مختلف را در گزیده‌خوانی این هفته «فرهیختگان» می‌خوانید. فعالان حوزه نشریات و مدیران مسئول منتخب دانشگاه‌ها، این‌ماه منتظر اطلاعیه نحوه برگزاری انتخابات نمایندگان مدیران مسئول نشریات دانشجویی در شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشگاهی وزارت علوم هم هستند.

پرونده سربازی موضوع شماره جدید هفت تیر

بعد از ۱۸ سالگی تان دو اتفاق عمده رقم می‌خورد. یا آنکه کنکور می‌دهید و به دانشگاه وارد می‌شوید و تحصیل می‌کنید یا اینکه به پلیس به‌علاوه ۱۰ مراجعه کرده و دفترچه خدمت خود را پست می‌فرمایید. راه سومی وجود ندارد. اگر هیچ کدام از این مسیرها را نخواهید تنها کاری که می‌توانید انجام دهید نفس کشیدن است. چون اجازه خروج از کشور، افتتاح حساب، دریافت وام (اعم از ازدواج...) خرید بلیت مسافری، ادامه تحصیل و... را نخواهید داشت. در مقدمه گفتیم اجرا مشکل دارد. هنوز هم می‌گوییم آقایان اجرا مشکل دار است. سربازی اجباری به‌شبهه‌ای که فعلا در حال اجرا و جلورفتن است تنها عایدی اصلی اش تاخیر ازدواج جوانان، از دست رفتن فرصت‌های شغلی شان، تحمیل فشارهای روحی و روان شناختی است. مرکز پژوهش‌های مجلس، اندیشکده‌ها و جمعی از خود کادیروهای مسلح یک طرح اصلاحی را برای اصلاح نظام خدمت اجباری تدوین کرده بودند که متأسفانه معلوم نیست نتیجه‌اش چه شد؟ اما حسب ابلاغیه و تصمیم خلق الساعه ستادکل می‌توان فهمید که اصلاً آن ایده‌ها فرصت مطرح شدن پیدا نکرده بودند چه برسد به اعلام آن. عمیقاً معتقدم که خدمت اجباری سربازی خود یک بحران کهنه است که منتظر زخم باز کردن است و البته تصمیم اخیر عمق این بحران و رابطه را دستخوش تغییر خواهد کرد. واقعا از سربازی به یاد گرفته‌ایم؟ پسر ها آدمیانی‌اند همانند سایر انسان‌ها. آنها حق حیات و زندگی بدون استرس مضاعف را دارند. سربازی اجباری امارا آن را سد کرده است.



سیزدهمین شماره دو هفته‌نامه سیاسی دانشجویی «هفت تیر» در روزهای اخیر منتشر شد. میراث قزاق تیر اصلی این شماره نشریه هفت تیر است که با تصویری از یک سرباز در مژگو منتشر شده است. تحریریه این نشریه دانشجویی در شماره جدید خود مساله خدمت سربازی را به‌صورت ویژه مدنظر قرار دادند و در یادداشت‌های مختلفی به بیان ابعاد مختلف این پدیده پرداختند. در کنار این مساله، عناوینی چون قره‌باغ آتش زیر خاکستر، خیز به خیز وظیفه علیه جمعیت، تکذیب می‌کنم! و از اوپاش گردانی تا چالش میان قوه قضائیه و نیروی انتظامی ازجمله مهم‌ترین مطالبی است که در این شماره می‌خوانیم.

احمدرضا موسی‌پور از دانشجویان کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه شهیدبهشتی در یادداشت خود که به پرونده اصلی این شماره مربوط می‌شود، می‌نویسد: «حرف آخرم را اول می‌زنم: ما به این مساله معترضیم. ۲ سال از پرنشاط‌ترین و زیباترین ایام زندگی یک جوان را باید در یادگان‌های نظامی داخل سرویس‌های بهداشتی و سیستم نامه‌رسانی و توزیع غذا جست‌وجو کرد. چرا؟ چرا این ایام مهم و حساس زندگی یک جوان باید در چنین محیط‌هایی سپری بشود؟ کمی پوپولیسم وارد متن کنم؟ به جرم پسر بودن. شما اگر در ایران زندگی کنید و یک فرد مذکر باشید، برای

بی‌تعارف با مدیرانی که مشغول کار نیستند!

از یک طرف مشکلات جامعه و مردم حل نمی‌شود به بهانه اینکه بودجه نداریم و کاری از دست دولت بر نمی‌آید و مقصر مشکلات واشنگتن دی‌سی و کاخ سفید است و از طرف دیگر امسال این دومین بار است که مبلغ هنگفتی توسط دولت از خزانه مملکت برداشت می‌شود اما در نهایت سرنوشتش نامشخص می‌ماند. ۷۰ درصد از یک میلیارد یورو اختصاصی به مشکلات ناشی از کرونا در محل خودش خرج نشد همان‌طور که طبق گزارش دیوان محاسبات از تفریح بودجه ۹۷، تکلیف بخشی از منابع ارز دولتی نامشخص بود که بعداً مشخص شد صرف واردات غذای سگ و گربه و کالاهای غیر اساسی از جمله در قوطی و چوب بستنی و غیره شده است. این درحالی است که بخش صنعت بیشترین نیاز ارزی برای تأمین مواد اولیه و تجهیزات را داشت. یعنی اینجا هم مبلغ دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان با دلار ۴۵۰۰ تومانی سرنوشتش نامعلوم شد و بعد مشخص شد به جای غذا و دارو که نیاز اساسی مردم کشور بوده است، غذای سگ و گربه وارد شده است. در شرایط تحریم، کرونا و مشکلات اقتصادی که درآمد نفت‌وگاز با سستی و اندک جمع شده و هزینه آن به صندوق توسعه ملی واریز می‌شود ولی در محل خودش و برای نیاز جامعه و مردم خرج نمی‌شود.»



چهلمین شماره ماهنامه سیاسی «بی‌تعارف» نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهراء هم در هفته گذشته در ۹ صفحه منتشر شد. مدیران مشغول کار نیستند یا توضیح «ماجرای جوی‌های خطرناک» و بی‌نتیجه رئیس مجلس در برابر انزوی پوچ گرایانه رئیس‌جمهور» به‌عنوان تیر اصلی این شماره انتخاب شده است. «جمهوریت ناتمام» و بررسی سرنوشت نامعلوم برداشتی‌ها از صندوق توسعه ملی از دیگر مطالب قابل توجه این شماره است که در کنار قره‌باغ از جنگ نظامی تا جنگ سیاسی و سرنوشت دشت مغان و تجربه مقابله با یک خصوصی‌سازی چرناغ سبز تکرار در شماره جدید بی‌تعارف به چاپ رسیده است.

کوثر پاریزی، یکی از اعضای تحریریه این نشریه در مطلبی با عنوان «مدیران‌های شگفت‌انگیز به بررسی سرنوشت برداشت‌های پرتعداد دولت از صندوق توسعه ملی پرداخته و در بخشی از یادداشت خود می‌نویسد: «بالاخره دولت می‌تواند مقصر مشکلات اقتصادی باشد یا نه تحریرها مقصر آنها هستند؟ این روزها حرف‌گرانی‌ها همه جا پیچیده است. مردم در ایام کرونا با بی‌کاری و مشکلات اقتصادی مواجه شده‌اند و قیمت پراید و سکه روزبه‌روز در حال افزایش است. اما رئیس دولت ما بعد از انتقاد از وضع اقتصادی کشور از سوی مردم و نمایندگان آنها، با تناقضی آشکار همان‌طور که گفته شده پاسخ می‌دهد. سوال اصلی اینجاست که در این دولت چه اتفاقی دارد رخ می‌دهد؟

بررسی طرح امنیت اخلاقی نیروی انتظامی در شماره جدید دغدغه

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دغدغه یکی دیگر از نشریات دانشجویی است که در طول روزهای پایانی مهرماه منتشر شد. جلد ششمین شماره «دغدغه» با تیر «آئینه دق» به موضوع قانون تسهیل ازدواج جوانان مربوط می‌شود که همراه یک تصویرسازی جالب در نخستین صفحه این نشریه به چشم می‌خورد. عبور از جاده مطالبه‌گری، تحقیر یا تادیب مساله این است، درهای بسته پاستور برای زنان؟، شکلات تلخ و پایان یک رویا ازجمله عناوین مطلب منتشر شده در شماره جدید این نشریه است. نیلوفر رضایی یکی از نویسندگان این نشریه در یادداشت خود که با عنوان «تحقیر یا تادیب مساله این است»، بخشی از طرح ارتقای امنیت اجتماعی و آسیب‌شناسی ارادل گردانی توسط نیروی انتظامی در سطح شهرها را مورد بررسی و نقد قرار داده است. او در ابتدا نوشته خود را این گونه آغاز می‌کند: «مهرماه ۹۹ تصویرش که منتشر شد، عکاس آن عکس، روایت کرد که سال ۹۰ نیز از او در همان وضعیت و خیابان، به همان دلیل عکاسی کرده بود؛ اما با این تفاوت که طی این سال‌ها ارتقای سطح پیدا کرده و از ارادل سطح سه به ارادل سطح یک تبدیل شده است. چند هفته‌ای می‌شود که مجدداً بازار گرداندن ارادل و اوپاش درخیابان‌ها توسط پلیس نیروی انتظامی در سطح شهر گرم شده و در پی آن واکنش‌های متفاوتی را با خود به‌همراه داشته است.

طی سال‌های اخیر نیروی انتظامی با انگیزه مقبول و بسندیده ارتقای امنیت اجتماعی، در طرحی با همین عنوان، اقدام به دستگیری و تشهیر (دورگردانی) افرادی می‌کند که در ادبیات اجتماعی پلیس به‌عنوان «ارادل و اوپاش» از آنها یاد می‌شود. اغلب این افراد دارای سه ویژگی مشترک هستند: سوابق کیفری جرائم خشن، خالکوبی‌های نامتعارف و آثار ناشی از جسم‌برنده بر بدن. هدف نیروی انتظامی از تشهیر این ارادل، شکستن هیمنه پوشالی آنها درمحل سکونت‌شان و بازآرندگی از عرض اندام مجدد و ادامه رفتارهای خشن است. اما نیروی انتظامی تا چه میزان موفق بوده است؟ افزایش تعداد دستگیرشدگان طرح ارتقای امنیت اجتماعی در سال‌های اخیر که بخشی از آنان سابقه دستگیری و دورگردانی دارند، گویای آن است که این ارگان انتظامی آفت‌در که باید و شاید موفق نبوده است. این نویسنده این گونه جمع‌بندی می‌کند: «با توجه به بررسی‌های روانشناختی انجام‌شده مبنی‌بر اختلالاتی که اغلب این افراد دارند، به نظر می‌رسد این اقدام نیروی انتظامی نه تنها به اصلاح و شکستن هیمنه پوشالی آنان منجر نمی‌شود، بلکه با مداخله رسمی و معرفی این افراد به‌عنوان ارادل و اوپاش و برجسب‌زنی و تثبیت این هویت جدید، آنان را به حفظ و استمرار وضع موجود ترغیب می‌کند. توصیه می‌شود مداخله نیروی انتظامی از دستگیری و تشهیر به مداخله فعال از طریق حضور مستمر و مقتدر در نقاط جرم‌خیز، تغییر یافته، تا علاوه‌بر اطمینان بخشی بیشتر به شهروندان، مجال عرض اندام و قدرت‌نمایی را از چنین افرادی سلب کند.»



بررسی ابعاد مختلف قصاص در شماره جدید حیات

چهل و هفتمین شماره نشریه «حیات» دانشگاه صنعتی شریف اواخر مهرماه منتشر شد. این شماره از حیات به‌صورت ویژه به موضوع قصاص پرداخته است. تصویرسازی جلد این شماره هم مرتبط با همین موضوع است و با تیر در برابر لغیان منتشر شده است. چشم در مقابل چشم، ضامن مغناطیسی، ترس سدی در برابر لغیان، تاریخ قصاص آمیز، مجازات یا حق، چوب معلم، قصاص در محکمه و به‌علاوه جامعه‌عناوین مطالب مختلف این شماره حیات است که یادداشت‌های مختلف قصاص را مورد واکاوی و بررسی قرار می‌دهد.

علیرضا عسگری، دانشجوی رشته نفت دانشگاه شریف در سرمقاله شماره جدید حیات در مطلبی با عنوان ضامن مغناطیسی می‌نویسد: «زمانی دنیا بیدار شده بود چند قطعه میله و کره آهن‌ربایی؛ سعی داشتم هر پدیده جدیدی را که در کودکی درک می‌کردم با این دنیای مگ مغناطیسی تطابق دهم! کوچک‌بازی هنوز هم طعم یافتن ارتباط‌های زیاد بین آن دنیای کوچک بازی با دنیای واقعی زیر زبانت است. دنیایی که کره‌هایی کوچک نقطه اتصال میله‌هایی با رنگ‌های مختلف می‌شدند، دنیایی که همه میله‌ها و کره‌ها به‌صورت شبکه‌ای منظم به هم متصل می‌شدند. در آن دنیا اگر میله‌ای سعی در جابه‌جا شدن توسط نیروی خارجی و به‌هم ریختن نظم داشت، بقیه میله‌ها و کره‌ها نیرویی متقابل را وارد می‌کردند که از این بی‌نظمی جلوگیری کنند. بقیه میله‌ها و کره‌ها تا آنجا که می‌توانستند نمی‌گذاشتند تغییری ایجاد شود و نظم به‌هم بخورد؛ اگر نیرویی که از طرف من برای تغییر حالت میله بر نیروی شبکه اتصال آنها غلبه می‌کرد یا باعث به‌هم ریختن کاملش می‌شد یا باعث خارج شدن میله بدون به‌هم ریختگی می‌شد؛ همین که میله خارج می‌شد به دلیل قدرت مغناطیسی زیاد، خیلی سریع ذره‌های دیگر به هم می‌چسبیدند و جای خالی میله‌ای که علاقه به خروج و به‌هم زدن نظم داشت را پر می‌کردند. دنیای واقعی نیز مانند همین بازی است! در جامعه‌ای که همه طیف‌ها و رنگ‌ها مانند شبکه‌ای یک‌پارچه به هم متصل باشند، اگر شخصی بخواهد این نظم و تعادل جامعه را به‌هم بریزد جامعه با در دست داشتن عناصری بازدارنده، سعی در تقابل با این نیروی برهم‌زننده نظم دارد و تا آنجا که ممکن است جلوی این نیروی برهم‌زننده می‌ایستد و می‌کوشد که آن را دفع کند ولی در شبکه ارتباطی باقی بماند. گاهی اوقات عناصر بازدارنده نمی‌توانند جلوی این برهم‌زدن را بگیرند و باعث بازگشت آرامش و «تعادل» در جامعه شوند؛ آیا باید نشست و نگریست که جامعه به کلی به هم بریزد؟ یا باید سریعاً واکنش نشان داد؟ گاهی اوقات هم باید به ارتباطات جدید در صورت ایجاد خلاء ارتباطی در جامعه نیز فکر کرد زیرا اگر زودتر آن میله از شبکه خارج نشود، ممکن است به کل ساختار شبکه آسیب بزند و آن را به‌هم بریزد...»



نگاهی به انتخابات آمریکا با هوس مذاکره

پنجمین گاهنامه واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز با نام «امیدیه» در روزهای گذشته به چاپ رسید. قفقاز یا لنز پستار کمناچی عنوان اصلی شماره جدید امیدیه است که به گفت‌وگو با سیدجواد میری، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اختصاص دارد. دولت ضعیف، ویروس قوی و عدالت‌خوازان درباری تا ائتلاف فراگیر عدالتخواهان ازجمله مطالب مهم منتشر شده است که در کنار مطالبی چون عدالت آموزشی و چاقوی ابراهیم در دستان شیطان در این شماره می‌خوانیم.

امیرحسین حیدری، سردبیر این نشریه دانشجویی در سرمقاله خود به واکاوی شرایط سیاسی آمریکا با توجه به انتخابات این کشور پرداخته و می‌نویسد: «نگاهی به لیست فاکتورهایی که برای مردم آمریکا اهمیت دارد دوباره ما را به این می‌رساند که «مردم ایالات متحد» برای ایران و ایرانی تره هم خرد نمی‌کنند، البته نه اینکه از روی تحقیر و این دست موارد باشد، بلکه اقتصاد و بهداشت در درجه اهمیت برایشان رتبه اول و دوم را دارد و سیاست خارج جایگاه ششم. قسمت جالب ماجرا آنجاست که برخلاف مردم ما که با یک خبر کوتاه ۱۰۰ کلمه‌ای فردا صبح زود در صفوف خرید دلار حضور به‌هم می‌رسانند آنها حتی دغدغه سیاست خارجی به آن شدت و حدت را ندارند. اگر فردی در ایالات متحده درآمد ماهانه و خدمات بهداشتی دریافت نکند در واقع زندگی اش به پایان می‌رسد. دولت ترامپ نتیجه مطلوبی در اقتصاد و خدمات درمانی، بهداشتی به دست نیاورده و امید دارد با بولد کردن سیاست خارجه بتواند دوباره در انتخابات پیروز شود. البته که این فقط یک طرف ماجراست، بلکه این سوی دنیا را هم باید نگریست و تامل کرد. در سال‌های اخیر اوضاع را از هر لحاظی که بخواهیم بررسی کنیم آن طور که باید پیش نرفته. هر بار که دولت اشتباه کرده نه تنها کسی جلوی‌اش نگرفته بلکه حمایت هم شده است. اوضاع معیشت به‌طور وحشتناکی بد است و تجربه نشان می‌دهد دفعه

قبلی که چنین شد مردم با مذاکرات مخالفت نکردند. اکنون هم زمنه‌هایی به گوش می‌رسد که عده‌ای در داخل مرزهایمان دوباره هوس مذاکره دارند و این غیرممکن هم نیست، چراکه پیش‌بینی می‌شود از طرف مردم مخالفتی صورت نگیرد. حال باید این ۴۰ روز پیش‌رو را صبر کرد تا مشخص شود واقعا قرار است چه اتفاقاتی در ایالات متحده به‌وقوع بپیوندند.»



روغنی به شماره موتور 164B0241057 و به شماره شاسی NAAN11FE0KH544636 و به شماره پلاک ۲۴-۸۵۴ ج ۲۹ به‌نام سعید یعقوب‌نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

بنی‌طرفی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. برگ سبز خودرو پرایدسوار مدل ۸۷ به رنگ سفید- روغنی به شماره موتور 2714093 و به شماره شاسی 1412287585550 و به شماره پلاک ۱۴-۳۱۹ س ۷۱ به‌نام عیسی هلیچی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند خودرو پژو پارس مدل ۹۶ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور 181B0026240 و شماره شاسی NAAN11FE2HH035964 و شماره پلاک ۱۴-۲۷۱ ه ۸۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودرو پیکان وانت مدل ۸۸ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور 11488066392 و به شماره شاسی 879634 و به شماره پلاک ۴۲-۹۷۸ س ۲۸ به‌نام محمد قاری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت سبز خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۹۵ به رنگ سفید- روغنی به شماره شاسی NAAP13FE4GJ853711 و به شماره موتور 163B0235638 و به شماره پلاک ۲۴-۷۹۵ ب ۲۷ به‌نام میاسه عبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت خودرو پژو پارس مدل ۹۸ به رنگ سفید

دانشگاه آزاد واحد دورود میدان حضرت ابوالفضل ارسال نماید. مدرک فارغ التحصیلی اینجانب محمدامین عبیات فرزند شامخ به شماره شناسنامه ۱۸۸۹-۱۹۸۰۰ صادره از دشت آزادگان مقطع کاردانی پیوسته رشته تربیت‌بدنی صادره از واحد دانشگاهی سوسنگرد با شماره ۲۳۲۳۵۱۵-۴۹۲۰/۹۴/۷/۲۵ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سوسنگرد به نشانی سوسنگرد- خیابان شهید غدیری اصل- روبه‌روی اداره جهاد کشاورزی صندوق پستی ۶۴۴۱۹۸۳۹۳۴ ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری سایپا 131sx مدل ۹۱ به رنگ سفید- روغنی به شماره موتور 4568914 و به شماره شاسی 1412291085344 و به شماره پلاک ۱۴-۴۹۴ ق ۴۶ به‌نام حنون

مدرک فارغ التحصیلی شادانلو عامری سیاهویی فرزند کرم به شماره ملی ۳۳۹۱۵۲۶۱۹۱ صادره از بندرعباس در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت مالی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل قسم به شماره ۱۸۹۳۸۴۷۰۰۱۲۵ و تاریخ صدور ۹۵/۱۱/۲۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد قسم به آدرس هرمزگان، قسم، کیلومتر ۱۸ بزرگراه قسم درگهان، ساختمان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قسم ارسال نماید.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب مهسا رضایی فرزند کریم به شماره شناسنامه ۳۳۳۰۲۱۲۲۰۹ صادره از اسلام‌آباد غرب در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته مهندسی معماری صادره از واحد دانشگاهی واحد دورود با شماره ۲۸۰۲۸۵۷ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به